
فائز امام

در

تعدیل عواطف

جلد اول

سرشماسه:	میرزایی، فاطمه لطیفی (ذری)
عنوان و پدیدآور:	تأثیر امام در تعدیل عواطف (جلد اول)
مشخصات نشر:	تهران: زمین طوبی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:	۱۳۳ ص
شابک:	۱۳۰۰۰ ریال: ۷۹-۸-۷۶۷۱-۷۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	آریا
موضوع:	حسین بن علی (ع) امام سوم، ۶۱-۴ ق
رده بندی کنگره:	BP ۱۹۶/۶۵/۹۳۵۲
رده بندی دیویی:	۳۹۷/۳۷۵
شماره کتابخانه ملی:	۱۰۴۹۷۳۹



تأثیر امام در تعدیل عواطف (جلد ۱)

برگرفته از سخنان استاد فاطمه میرزایی (لطیفی آذر)

گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی سائنحات

ناظر چاپ: علی حاجی تقی
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
چاپخانه: انصار المهدی (پ)

ناشر: انتشارات ارمغان طوبی
۱۴۴ صفحه، رقعی
چاپ اول، ۱۳۸۶

قیمت: ۱۳۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-7671-79-8

شابک: ۷۹-۸-۷۶۷۱-۷۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-7671-78-1

شابک دوره: ۷۸-۱۰-۷۶۷۱-۷۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای مؤسسه فرهنگی سائنحات محفوظ است.

ای ساقی از آن می که دل و دین من است

پر کن قدحی که جان شیرین من است

گر هست شراب خوردن آیین کسی

معشوق به جام خوردن آیین من است

فهرست:

۹	 مقدمه
۱۵	 معرفت امام، در تجلّی ربوبیت
۱۹	 منشاء گریه و خنده
۲۱	 گریه‌ی صادق و کاذب
۲۳	 حقیقت گریه بر حسین بن علی (علیه السلام)
۲۹	 گریه بر حسین (علیه السلام) در روایات
۴۱	 اهمّ قوای نفس ناطقه‌ی انسان
۵۱	 حاکمیت عقل بر قوا
۵۴	 کارکرد وهم
۶۴	 فنا و بقای حقیقی در هستی
۷۱	 مثال‌های قرآن برای رهنمون کردن انسان به سوی عقل

- ۷۹..... احادیثی پیرامون اهمیت عقل
- ۸۵..... گرایش‌ات عقل عملی در وجود انسان
- ۹۷..... نقش امام در تربیت عواطف
- ۹۷..... الف- جایگاه عواطف در وجود، در بُعد فردی
- ۱۰۳..... ب- جایگاه عواطف در وجود، در بُعد اجتماعی
- ۱۰۴..... تبیین عشق و محبت
- ۱۱۷..... زیارت و حبّ امام حسین (علیه‌السلام) در روایات
- ۱۲۴..... حقیقت صراط مستقیم
- ۱۳۳..... نقش امام حسین (علیه‌السلام) در جهت‌گیری عواطف و هدایت بشر...

مقدمه

تمامی هستی راه عشق می‌پویند و در این میان، انسان، فطرتاً در جستجوی زیبایی و کمال محض است و در تکاپوست تا به نیازهای وجودی خود پاسخ دهد. پاسخی که او را به غایت آفرینش (رسیدن به قرب الهی) نزدیک کند. به این منظور، پروردگار، قوا و اسباب و عللی در درون و ابزار و عللی در بیرون قرار داده است، تا انسان، در سیر صعود، به واسطه‌ی آن‌ها بتواند حدود و حجاب‌هایی را که در سیر نزول گرفته‌است، کنار بزند و به سوی معشوق خویش حرکت کند.

از جمله‌ی این ابزارهای درونی، "قوه‌ی واهمه" و "قوه‌ی عاقله" است.

"قوهی واهمه". قریبای است که معانی جزئی را ادراک می‌کند. مانند ادراک محبت یا عداوت فردی نسبت به فرد دیگر، یا ترس و نفرت نسبت به فرد یا شیء، بخصوص، یا ادراک طعم غذاها و یا ادراک انواع رنگها و موارد دیگر.

قوه دیگری که خداوند، در وجود آدمی نهاده و آن را رسول باطنی نامیده است، "قوهی عاقله" می‌باشد. کار این قوه، ادراک معانی کلی و کلیات است. بدین معنا که بدون جستجوی مصادیق خارجی، آن معنی را در درون، تصور یا تصدیق می‌کند. مانند ادراک گرسنگی یا تشنگی (که به واسطه‌ی این درک عقلی، فرد، وارد عالم جزئیات و "قوهی واهمه" شده و به دنبال آب و غذا می‌گردد). و یا ادراک معانی والای معنوی و الهی، مانند ادراک مفهوم واجب الوجود یا ادراک مفهوم مجردات.

عقل و وهم، با هم نسبتی دارند و آن احاطه‌ی عقل بر وهم است. به طوری که درک محسوسات توسط وهم، به امضای عقل می‌رسد. اما وهم، هرگز حق سرک کشیدن به عالم عقلانی و کلیات را ندارد. چه در این صورت، مسیر انسان از هدایت به ضلالت ختم خواهد شد.

اگر حالات انتعالی نفس ناطقه‌ی انسان (مانند خنده و گریه) بر اساس وهم انجام گیرد، قادر نخواهد بود مسیر صحیح خود را - که همانا مسیر عقلانی است - پیماید. در نتیجه، اثری در حرکت کمالی

انسان نخواهد داشت. کسی قادر است از حالات انفعالی نفس خویش (گریستن و خندیدن، حزن و سرور و...) بهره‌برداری کند، که از آلات و ابزار صحیحی (عقل) برای ظهور این انفعالات استفاده کند. بدین معنا که با اشراف نیروی برتری از جانب حق تعالی بر جوانب وجود و حاکمیت عقل، اشک جاری شود، نه بر اثر حالی به حالی شدن.

این جاست که خداوند متعال با ارسال رسل و انزال کتب، به ترسیم مسیرهای عقلانی پرداخته است، تا انسان محصور شده‌ی در دامن طبیعت را، به واسطه‌ی ابزارهای درونی و جهت‌دهی آن‌ها به وسیله‌ی ابزارهای بیرونی به سوی قرب هدایت کند. بر همین اساس، پیامبر اسلام دو جبل الهی (قرآن و اهل بیت) را برای راه‌یابی انسان‌ها به عوالم برتر وجود، در میان آن‌ها باقی گذاشت، تا با تمسک به آن‌ها، از هیاهوی ماده و طبیعت رها شوند و به عالم عقل و عشق راه یابند.

کسی که به عشق حقیقی دست یافت، همه چیز را در هستی، زیبا می‌بیند؛ اما نه در جنبه‌ی کاذبانه و وهمی آن، بلکه در زیبایی حقیقی و عقلانی و این امر باعث می‌شود تا انسان به وحدت در عشق برسد.

عشق، باعث سعه‌ی نفس، گسترش وجود و آزادی آن از محرومیت‌ها می‌شود. جاذبه‌ی عشق قادر است حصارهای تنگ مادی را - که همگی برخاسته از وهم هستند - بشکنند. از این رو

ارزشمندترین نعمتی که خداوند به بنده‌اش عطا می‌کند، عشق و جذبه‌ی ولایت است. اما به شرطی که این محبت و جذبه با معرفت عجین باشد.

در حقیقت، اوّل قدم در طی کردن مسیر عشق، معرفت است. معرفت نسبت به تمام شؤون محبوب، معرفت به رفتار، کردار، سلیقه، عقاید، اندیشه و حب و بغض او.

محبتی که برخاسته از معرفت باشد، انسان را به سوی اقتدای عاشقانه و جان‌فشانی در راه محبوب می‌کشانند. اما وقتی با معرفت عجین نباشد، با این که محبت هست، اما اقتدا نیست و اگر اقتدا نباشد، محبت ثمره نمی‌دهد.

انسان کامل، اوّل تجلی عشق، در نزول و اوّل مجرای صعود و اوّلین تجلی عاشق و معشوق و محبّ و محبوب است و معرفت نسبت به این آینه‌داران جلال و جمال الهی، ما را به سوی شناخت خدا سوق می‌دهد. هر اندازه که محبّ، اراده‌ی خود را در اراده‌ی محبوب فانی کند، به همان اندازه، اقتدا حاصل می‌شود. یعنی باید در تمام ابعاد، حرکات و سکنات، عواطف و احساسات، از ولی نعمت خود اطاعت کرد. به طوری که تنها، روش ایشان بر زندگی ما حاکم باشد.

از آن جا که دنیا مزرعه‌ی آخرت است، باید امروز با اختیار و انتخاب صحیح، درون و جان را به دست والیان امر سپرد، تا ایشان با

هدایت خویش، جان را به گونه‌ای پرورش دهند که ظهور آن در قیامت، چهره‌ی کمالی و سعادت‌مندان‌ای را بر ما بنمایاند.

ان شاء الله